

مقاله خلاقیت و آموزش هنر نقاشی



منیژه حاتمیان
مربی نقاشی

مقدمه

محبت کردن و صادقانه دوست داشتن را ببینند و بیاموزند و در نهایت بیندیشند و خلق کنند.

خلاقیت منبعی روانی است که می‌تواند تمام جنبه‌های زندگی سال‌های بلوغ ما را پربار سازد. مهم‌ترین راهی که معلمان و اولیا می‌توانند از آن طریق خلاقیت کودکان را ترغیب کنند، حمایت از انگیزه‌ی درونی آن‌هاست. برای مثال، در مورد موضوع مورد نظر، باید به کودک علم و دانش داد و ابزار و امکانات و شرایط را در حد متوسط برایش فراهم آورد. برای فکر و ایده‌ی او ارزش قائل شد و در همان راستا راهنمایی‌اش کرد (به‌صورت غیرمستقیم) به‌عبارت دیگر، از اعمال نظر علائق شخصی خود روی فکر و هدف کودک اجتناب ورزید.

انگیزه‌ی درونی دانش‌آموزان هنگامی رشد می‌کند که معلمان معتقد به دادن استقلال نسبی به کودکان در کلاس باشند. از کلمه‌ی خلاقیت بسیار استفاده می‌شود و حتی می‌بینیم آن را برای فعالیت‌هایی که معمولاً ارتباطی با هنر ندارند، به‌کار می‌برند. تفکر خلاق شامل نگرش نو و ایده‌های بکر است. کودکان را می‌توان از طریق فعالیت‌های متفاوت ترغیب کرد که مشکلات خود را حل کنند و با اعتماد به نفس، به کشف موقعیت‌های جدید بپردازند. برخی مراقباند لباس و دستشان کثیف نشود، در حالی که دیگران با شهامت، اعتماد به نفس و کنجکاوی زیرکانه نقاشی می‌کنند.

هنر، تجربه و هیجان

هنر برای کودکان تجربه و هیجان به ارمغان می‌آورد. آن‌ها هرگز نمی‌دانند که با هر تجربه‌ی جدید چه چیزی را می‌یابند و می‌آموزند. در خانه و مدرسه، جایی را به هنر کودکان اختصاص دهید. بهتر است مواد و لوازم در معرض دید باشند، تا آن‌ها به کار هنری و فعالیت‌های خلاقانه ترغیب

تردید نیست، مهم‌ترین هدفی که خانواده‌ها و اولیای مدرسه در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوان دنبال می‌کنند، کشف و پرورش خلاقیت آن‌هاست. زیرا خلاقیت پایه و رکن اصلی پیشرفت‌های انسان است و بروز خلاقیت زمانی شکل می‌گیرد که امکان و انگیزه‌ی آن فراهم شود. خلاقیت و سلامت روح و جسم مکمل یکدیگرند. خلاقیت الزاماً به افراد زنگ و تیزهوش و بااستعداد منحصر نیست. افرادی با ضریب هوشی کم هم ممکن است خلاق باشند. خلاقیت مربوط به طرز فکر است. جای تأسف است که اگر کودکی توانایی فکری محدودی دارد، توانایی خلاقه‌ی او را نیز محدود کنیم. مهم‌ترین عامل در خلاقیت، انگیزه برای انجام کارهای خلاقانه است.

زندگی و ارتباط با هنر و حرکت

دنیای اطراف ما پر از رنگ، بافت، نور، حجم، فضا و زیبایی است. زندگی ما کاملاً با هنر و حرکت در ارتباط است. بسیاری تنها از روی عادت به آن نگاه می‌کنند و به دقت پیرامونشان را نمی‌بینند. آن‌چه را که روزگاری مادر مدارس آموخته‌ایم، امروزه کودکانمان می‌آموزند. ما آموختیم، پایتخت کدام کشور، کدام شهر است، و حفظ کردیم، کدام رشته کوه در کدام کشور قرار دارد و... اما هیچ‌گاه به‌طور تأکیدی نیاموختیم که انسان خود شگفت‌انگیزترین مخلوق عالم است.

کودکان باید بیاموزند که هر انسانی بی‌همتا است. در سراسر جهان، هیچ دو کودکی دقیقاً مانند یکدیگر نیستند. آن‌ها باید یاد بگیرند که بی‌ظنیرند و اسرار خلقت را ابتدا از خودشناسی شروع کنند. باید پاها، دست‌ها، چشم‌ها و... طرز حرکات، صحبت کردن، راه رفتن، غذا خوردن و حتی



شوند. طوری با اثر نهایی کودکان برخورد کنید که انگار زیباترین اثر جهان را دیده‌اید. دیوارهای کلاس را با آثار خود دانش‌آموزان تزئین کنید و با استفاده از ساخته‌های خود آنان، کلاس را شاد و جذاب کنید. از کودکان بخواهید، نسبت به کلاس و آثار هنری‌شان مسئولانه و محترمانه برخورد کنند. با مداخله‌هایی نظیر کمک کردن و اصلاح کردن، و دادن کتاب‌های رنگ‌آمیزی و طرح‌هایی که با وصل کردن نقطه‌ها کامل می‌شوند، تفکر خلاق کودک را تضعیف نکنید.

روند کار مهم است نه اثر نهایی. هنری که از نظر بزرگ‌ترها خرابکاری به‌شمار می‌آید. نظیر رنگ کردن و خط‌خطی کردن و ریختن رنگ روی فرش، مبلمان و... هنگامی رخ می‌دهد که بزرگ‌ترها به اشارات بچه‌ها اعتنا نمی‌کنند. احساسات منفی والدین و معلمان نسبت به کار، به تجربیات بعدی منتقل می‌شود و احتمالاً برداشت کودک را از معنی کلاس تمیز یا خانه‌ی مرتب تغییر نمی‌دهد. به علاوه، برای او کارهای هنری با استرس همراه می‌شوند و این امر از یادگیری و بروز خلاقیت او جلوگیری می‌کند.

افراد خلاق بیش از همه، نسبت به آن چه می‌بینند، می‌شنوند و لمس می‌کنند، حساس‌اند. آن‌ها به سرعت به حالت سنگ، فرم چوب، جاری شدن رنگ، انعطاف‌پذیری گل و... که غالباً نادیده گرفته می‌شود، توجه نشان می‌دهند. معلمان و والدین این کودکان، در راهنمایی و کشف آن‌ها نقش مؤثری دارند.

نکات مهم در آموزش خلاقیت

۱. هیچ‌گاه به شباهت‌های اتفاقی آثار کودک با اشیای واقعی اشاره نکنید (ممکن است این کار ارزش امکان‌جابه‌جایی در یک پروژه را از بین ببرد)

۲. هیچ‌گاه به کودک نشان ندهید چگونه طراحی کند. او را با کشیدن نقاشی‌های تکراری و واقع‌گرا سرگرم نکنید.

۳. توقعات خود را از اثر نهایی کنار بگذارید. به کودک قطعاً پیشنهاد نکنید، از چه تکنیکی استفاده کند. اجازه دهید تخیلش چگونگی انتخاب تکنیک‌ها را تجربه کند.

۴. روی اثر او خط نکشید، چیزی ننویسد و آن را اصلاح نکنید. هنر کودک مهم‌تر از هر نوع مداخله‌ی شماست. این کار مانع از خلق آثاری متناسب با رشد سنی کودک می‌شود.

۵. او به شرکت در مسابقه نقاشی برای کسب جایزه و یا دیگر زمینه‌های رقابتی که ناچار مقابل کودک دیگری قرار می‌گیرد، ترغیب نکنید. از هدف او مطلع شوید و او را راهنمایی کنید، با خودش رقابت کند. جایزه و پاداش زمانی مؤثر است که کار به شکل درست و کامل و فقط برای ارائه‌ی اثر نهایی انجام شود، نه برای رقابت.
۶. کودک را به مرحله و سطح بالاتر سوق دهید و با توجه به توانایی‌اش، او را راهنمایی کنید. هر مرحله ارزش و اهمیت خاص خود را دارد. زمانی که در تکنیکی به مهارت لازم رسید آن را تغییر دهید و در مورد ابزار جدید با او صحبت کنید.

منابع

۱. وارنر، سالی و استرابکر. کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان.
۲. آمابیلی، ترزا. شکوفایی خلاقیت کودکان.
۳. تجربیات شخصی آموزش نقاشی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.